



وزیر کشور:

ما در وزارت کشور معتقدیم که "امنیت پایدار"، مدل امنیت شرایط کنونی دنیاست؛ در واقع امنیت پایدار در گرو توسعه پایدار است؛ چون مردم محور توسعه و امنیت پایدار هستند و امنیت پایدار، بدون مردم معنی ندارد.



سال 1395، سال اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل



همایش ملی الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای

نشریه علمی - خبری دبیرخانه دائمی همایش الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای
سال سوم، شماره 18، شماره مسلسل 75 (پکشنه 10 مرداد ماه 1395)

توازن

18

"مساله‌شناسی توسعه مناطق مرزی ایران از منظر نظریه سازه‌انگاری"

محمد براتیان (کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی و مطالعات ایران و کارشناس ارشد دفتر امنیتی فرمانداری سمنان)

اشاره

با توجه به اهمیت و جایگاه مناطق مرزی در توسعه منطقه‌ای و ملی و ضرورت شناخت مسایل و چالش‌های توسعه‌ای این مناطق در جهت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری متناسب و کارآمدتر توسط وزارت کشور، مقاله حاضر با عنوان "مساله‌شناسی توسعه مناطق مرزی ایران از منظر نظریه سازه‌انگاری" توسط محمد براتیان (کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی و مطالعات ایران و کارشناس ارشد دفتر امنیتی فرمانداری سمنان) برای همایش، به رشته تحریر درآمد. ایشان در این پژوهش در ابتدا، با ذکر تحولات نظام برنامه‌ریزی در ایران و اثرات آن در توسعه مناطق مرزی به طرح مساله پرداخته، سپس با بیان بنیان‌های نظری بحث (ضرورت مطالعه توسعه با روش‌های نو؛ هنجارهای توسعه و توسعه هنجارها؛ سازه‌انگاری؛ شامل: تصورات بینادذهنی، هنجارها و قواعد، هویت، منافع و سیاست‌ها) به تحلیل مسایل در حوزه محیط‌شناسی مناطق مرزی ایران و جمع‌بندی مباحث پرداخته‌اند. در واقع این پژوهش تلاش دارد تا مساله توسعه را در مناطق مرزی ایران با عنایت به تغییرات محیطی، از زاویه جدیدتری (هنجاری) مورد واکاوی و بازاندیشی قرار دهد و با کمک نظریه سازه‌انگاری، چگونگی تاثیرگذاری تصورات بینادذهنی و هویت قوام‌یافته از مسائل مناطق مرزی کشور را در ادراک و شناخت سیاستگذاران و مجریان که همراه با نوعی تصویری امنیتی و تهدید محور بوده، تحلیل نماید. اثرات منفی این تصویر برساخته را بر برنامه‌های توسعه‌ای و پیامدهای آن مورد بررسی قرار دهد و با درک جدید، توصیه‌های سیاستی را در چارچوب نظریه سازه‌انگاری برای پیشبرد مسئله توسعه مناطق مرزی (عطف به مقوله امنیت تقلیل‌گرا یا حداکثرگرا) ارائه نماید.

مقدمه

بیش از نیم قرن از بررسی آکادمیک و علمی معمای توسعه می‌گذرد. ادبیات آن به‌طور فزاینده‌ای بسط یافته، ابعاد آن از زوایای مختلف اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، سیاسی و... مطالعه و بررسی شده است، اما وجه فرهنگی آن با تاخیر، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مورد توجه جدی جامعه علمی قرار گرفته است. در کشور ایران نیز علی‌رغم 60 سال سابقه برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های توسعه، به واسطه تکیه بر درآمدهای نفتی (در شکل دولت رانتیر)

تاکنون وجه اقتصادی توسعه پرنرگ‌تر بوده و به دلیل نادیده گرفتن سایر وجوه، این برنامه‌ها به جای توسعه، رشد نابرابر و ناپایداری را به دنبال داشته است. این مسئله بیش از هر منطقه‌ای از کشورمان، در نواحی مرزی پیامدهای خود را نمایان کرده است. با توجه به اهمیت استراتژیک مناطق مرزی (به‌عنوان ویتترین و پل ارتباطی دو کشور)، یکسان‌انگاری برنامه‌ها و فقدان توازن، این مناطق را دچار ناامنی ساختاری و توسعه‌نیافتگی مزمن نموده است. چالش‌های ناشی از این مساله به همراه سایر مولفه‌های محیطی و بینادذهنی، تصورات امنیت محور را بین سیاستگذاران بخش‌های مربوطه از دو سو (داخل و خارج) تقویت نموده است. امنیتی بودن مرز برجسته‌ترین خصوصیت مرز تلقی می‌شود. از آنجایی که دولت‌مردان در توزیع منابع (قدرت) دارای تاثیر زیادی هستند؛ هرگونه درک و فهم آنها از جریان مسائل مرزی نقش تعیین‌کننده‌ای در هدفگذاری و تدوین سیاست‌های عمومی برای دستیابی به اهداف دارد. بنابراین هرگونه شناخت ناقص از این مناطق (مساله‌شناسی نادرست) کل فرایند سیاستگذاری را اعم از شناخت راه حل‌ها، اجرا و ارزیابی آن دچار انحراف می‌سازد. در این مقاله ابتدا ضمن بیان علت انتخاب نظریه سازه‌انگاری و مسئله هنجاری بودن مفهوم توسعه، با اشاره به محیط‌شناسی عینی و ذهنی، مولفه‌های تاثیرگذار بر توسعه مناطق مرزی، به‌ویژه تصورات بین‌الذهنی شکل گرفته که منجر به ایجاد نگاه امنیت محور سیاستگذاران به مرز شده را تشریح و در ادامه به دو تصویر متفاوت از امنیت که یکی به فرایند توسعه کمک می‌کند و دیگری مانع توسعه می‌گردد پرداخته می‌شود و در پایان پیشنهاداتی از منظر نظریه مذکور جهت کاربست آنها در مناطق مرزی کشور ارائه می‌شود.

نکات مورد بحث

الف. بنیان‌های نظری بحث

فهم سازه‌انگارانه از امور، در اواخر دهه 1980 و با انتشار کتاب «جهانی که مامی‌سازیم»، نوشته نیکلاس اونف و کتاب «قواعد، هنجارها و تصمیمات» اثر فردریش کراتوچویل، وارد مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شد. و طی بیش از سه دهه توانست نسبت به سایر نظریه‌ها نفوذ قابل توجهی را در جامعه علمی کسب کند. البته این نکته لازم به یادآوری است که بررسی

و اجتماعی متمایز، سیاست‌ها نسبت به جهان پیرامون و تجربیات تابخی.

جمع‌بندی

تهدیدات مرزی هم از نظر جنس و هم از نظر مکانی و زمانی متفاوت و متکثر شده‌اند؛ لذا باید در سیاستگذاری و شناخت مسائل مرزی نیز تحول لازم صورت پذیرد. به‌ویژه وجه غیر مادی امور که نسبت به سایر وجوه مغفول مانده است وارد نظام تصمیم‌گیری شود و راهکارهایی برای توسعه مناطق مرزی از این جنس ارائه شود. در این راستا نیازمند تعریف هویت جدیدی بر اساس شرایط و مولفه‌های جدید مرزی هستیم. طرح امنیت براساس هویت نوین، ما را به بحث سازه انگاری ارجاع می‌دهد.

به نظر می‌رسد بازاندیشی در روش‌های تامین امنیت و نظام توسعه مناطق مرزی اجتناب ناپذیر است. نوع نگرش و زاویه تهدید در انتخاب راهکارهای امنیتی موثرند. سراسر مرز را از منظر تهدید دیدن باعث فرجه شدن بخش امنیت و تضعیف سایر بخش‌ها می‌گردد. این مسئله (امنیتی کردن افراطی) در بلندمدت خود تهدید امنیتی محسوب می‌شود. مشکلات مناطق مرزی مستلزم ریشه‌یابی و مطالعه علمی است، باید راهکارهای گذرا که عمدتاً بر شیوه‌های سلبی تکیه دارند و صرفاً به پوسته اولیه موضوعات امنیتی توجه دارند کاهش یابد و با استفاده از رویکردهای نوین و رویه‌های مناسب‌تر به مقاوم سازی هنجارهای توسعه‌ای این مناطق پرداخته شود. در این راستا در چارچوب نظریه سازه انگاری چند پیشنهاد در غالب توصیه‌های سیاستی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- 1- بازاندیشی و مدیریت هویت؛
- 2- کاهش دولت‌گرایی؛
- 3- تحول در شیوه تامین امنیت؛
- 4- اهمیت اضلاع دیگر مرز؛
- 5- توسعه و دیگری؛
- 6- تعامل بیشتر با اقوام نواحی مرزی؛
- 7- اقدامات فرهنگی؛ و
- 8- بکارگیری تکنولوژی در کنترل‌های مرزی.

سوابق سازه انگاران نشان می‌دهد که (این نظریه) یک روش کاملاً جدید برای فکر کردن نیست، سازه انگاری ریشه هایش حداقل به نظرات فلسفی ویکو، کانت، وبر و کارل مارکس بر می‌گردد. "سازه انگاری" رویکردی است که به نقش انگاره‌ها و اندیشه‌ها در تعیین کردارها تکیه دارد. اندیشه‌ها و واقعیات نشسته بر ذهن انسانها را تولید اجتماعی می‌داند که طی فرایندهای تاریخی ایجاد شده‌اند. بنابراین از دیدگاه این نظریه، شناخت به‌شدت متأثر از فضای اجتماعی و ساختار معنایی مشترک است. فرد می‌تواند پاسخ‌های بازیگران نسبت به پدیده‌ها را از طریق ساختار معنایی مشترکی درک کند که (قبلاً برای او) درک و فهم شده اند. مباحث هستی‌شناختی به وضوح کانون اصلی توجه سازه انگاران را تشکیل می‌دهد. و تاکید آنها بر نقش تکوینی عوامل فکری است و به عوامل مادی و غیر مادی هر دو اهمیت می‌دهد. چارچوب نظریه سازه انگاری، بر محور تصورات بینادذهنی، هنجارها، هویت، منافع و سیاست‌ها می‌باشد.

ب. محیط‌شناسی مناطق مرزی ایران از منظر سازه انگاری

مرزهای ایران همواره یکی از کانونی‌ترین نقاط آسیب‌خیز محسوب می‌شود. مرزهای ایران هم به جهت شرایط تاریخی و هم جغرافیایی فراز و نشیب زیادی به خود دیده است. این فراز و فرودها بر توسعه این مناطق تأثیر گذارده است. به‌ویژه در یک سده اخیر توسعه نیافتگی، فقر و محرومیت هم‌زمان مفهوم مرز شده و همواره مرز را با خشونت ساختاری مواجه نموده است به نحوی که مرزنشینان به عنوان فراموش‌شدگان فرآیند توسعه و نیروهای موثر در آن تلقی شده‌اند. افراط در امنیتی‌شدن مرز (به‌ویژه غلبه امنیت سخت)، مانع نوآوری و شکوفایی پتانسیل‌های مناطق مرزی کشورمان گردیده است. شناخت این مولفه‌ها در فرآیند سیاستگذاری، بسیار مهم است. مولفه‌هایی که خود هم علت و هم معلول طرز تلقی از توسعه و نحوه اجرا شده است. پرواضح است که مرزهای ایران به‌ویژه با تغییرات محیطی جدید، دارای تنوع زیادی است، شاید این مولفه‌ها برای همه مناطق به یکسان صدق نکند؛ ولی با اندکی تسامح می‌توان مهمترین ویژگی‌ها و مولفه‌های عینی و ذهنی مناطق مرزی ایران را که بر فرآیند ساخته شدن هویت مناطق مرزی تأثیر داشته‌اند، به شرح ذیل تا حدی به اکثر نواحی مرزی کشور تعمیم داد: دولت‌محوری، محرومیت‌نسبی، قوم‌گرایی، بافت فرهنگی و



نشریه علمی - خبری «توازن»

مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور

دبیرخانه دائمی همایش

الگوی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای

مدیر مسئول: ابودر گوثری

سردبیر و مدیر اجرایی: ابراهیم خلیفه

توجه

نشریه علمی - خبری «توازن» به صورت هفتگی توسط دبیرخانه دائمی همایش منتشر می‌شود. منتظر دریافت اخبار شما جهت درج در این نشریه هستیم.

www.Sbrd.ir

۰۲۱-۲۶۶۵۵۹۵۱

ان شاءالله در شماره آینده می‌هوانیم:

معرفی طرح "شناسایی ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در

مراکز روستایی نمونه استان قزوین با رویکرد مشارکتی"

(تجربه‌ای موفق از استانداری قزوین برای وزارت کشور در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و عملیاتی‌سازی طرح همیاران توسعه روستایی کشور)

مجری طرح:

دکتر مهدی پورطاهری

(دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس)